

مقایسه مشکلات تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی - جسمانی در نوجوانان چاق و دارای وزن طبیعی: بررسی نقش تعدیل‌کنندگی فشار اجتماعی - فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی

حمید پورشریفی^۱، تورج هاشمی نصرت آباد^۲، *محمد احمدی^۳

۱. دانشیار روان‌شناسی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، ۲. دانشیار روان‌شناسی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، ۳. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی کودک و نوجوان دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

(تاریخ وصول: ۹۴/۰۳/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۹/۲۰)

Comparison of body image problems and social physique anxiety between obese and normal weight adolescents: the moderating role of sociocultural influence on weight loss and body change

Hamid Poursharifi¹, Touraj Hashemi nosrat abad², *Mohammad Ahmadi³

1. Associate Professor in Psychology, Tabriz University, Tabriz, Iran, 2. Associate Professor in Psychology, Tabriz University, Tabriz, Iran, 3. M.A. in Clinical Child and Adolescent Psychology, Tabriz University, Tabriz, Iran.

(Received: Jun. 17, 2015 - Accepted: Dec. 10, 2016)

Abstract

چکیده

Introduction: The purpose of the present research was to compare body image problems and Social Physique Anxiety between obese and normal weight adolescents by examining the moderating role of sociocultural influence on weight loss and body change. **Method:** In this cross-sectional-descriptive study, 70 obese adolescent girls and 72 adolescent girls with normal weight were selected from among Tabriz City high school students and were matched according to education, gender, and age. **Results:** The results of two-factor ANOVA showed significant difference between obese adolescents and normal weight adolescents with regard to body image and Social Physique Anxiety. Also the results showed that a high Sociocultural influence on Weight loss and body change have significant role in the rise of the Social Physique Anxiety. However, it did not have any significant moderating role in the social physique anxiety or the body image problems. **Conclusion:** According to the results obtained, we can conclude that obesity and high sociocultural influence on Weight Loss and body change are important factors in rising body image problems and Social Physique Anxiety. But sociocultural influence does not modify the role of obesity on the increase or decrease of body image problems and social anxiety. **Keywords:** Obesity, Body image, Social physique anxiety, Sociocultural influences on weight loss and body change.

مقدمه: این پژوهش با هدف مقایسه مشکلات تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی-جسمانی در نوجوانان چاق و دارای وزن طبیعی، با بررسی نقش تعدیل‌کنندگی فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی انجام شد. روش: در این مطالعه توصیفی-مقطعی، ۷۰ نوجوان دختر چاق و ۷۲ نوجوان دختر دارای وزن طبیعی به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای یک‌مرحله‌ای از میان دانش‌آموزان مدارس متوسطه شهرستان تبریز انتخاب شدند. گروه‌ها از نظر تحصیلات، جنسیت و سن هم‌تاسازی شدند. یافته‌ها: نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس دو عاملی چندمتغیره نشان داد که بین نوجوانان چاق و دارای وزن طبیعی از نظر تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی-جسمانی تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد، فشار اجتماعی-فرهنگی بالا برای کاهش وزن و تغییر بدنی در افزایش اضطراب اجتماعی-جسمانی نقش معناداری دارد. اما نقش تعدیل‌کنندگی در میزان مشکلات تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی-جسمانی ندارد. نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که چاقی و فشار اجتماعی-فرهنگی بالا برای کاهش وزن و تغییر بدنی، عوامل مهمی در افزایش مشکلات تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی-جسمانی هستند. اما فشار اجتماعی-فرهنگی نقش چاقی را در افزایش یا کاهش مشکلات تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی-جسمانی تعدیل نمی‌کند. **واژگان کلیدی:** چاقی، تصویر بدنی، اضطراب اجتماعی-جسمانی، فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی.

مقدمه

کردند که مسخره شدن توسط دوستان بخاطر چاقی به شکل مثبت و معناداری با علائم درونی شده و برونی شده‌ای که توسط والدین گزارش شده است، ارتباط دارد. در مطالعات داخلی نیز علی اکبری دهکردی (۱۳۹۴) گزارش داد که اختلال سلوک و اختلال بی‌اعتنایی مقابله‌ای در پسران دارای اضافه وزن بیشتر از پسران دارای وزن طبیعی است.

لذا یکی از حوزه‌های پژوهشی مرتبط با چاقی، بررسی همبسته‌ها و درمان‌های روانشناختی چاقی است. بسیاری از تحقیقات خارجی (مانند: شاو، اورورکه، دلمار، و کناردی، ۲۰۰۷)^۸ و داخلی (مانند: صادقی، غرابی، فتی و مظهری، ۱۳۸۹؛ زبردست، بشارت، پورحسین، بهرامی احسان، و پورشریفی، ۱۳۹۴) نشان داده‌اند که درمان‌های روانشناختی (مانند درمان‌های رفتاری-شناختی یا درمان روابط بین فردی) در کاهش چاقی مؤثر هستند. هرچند این کاهش وزن در برخی موارد ناچیز بوده، اما برخی بر این باورند که بسیاری از بیماری‌های مرتبط با چاقی، همچون دیابت، پرفشاری خون^۹ و هیپرلیپیدمی^{۱۰} با کاهش‌های ناچیز ۱۰-۵٪ وزن بدن به طور معناداری بهبود یافته-اند (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹). با توجه به مطالب بالا و تحقیقات فراوانی که همبستگی میان اختلالات روانشناختی و چاقی را تأیید می‌کنند، لزوم بررسی مسأله‌ی چاقی از منظر روانشناختی نمایان می‌شود.

با نگاهی به ادبیات تحقیق در زمینه‌ی چاقی به دو مفهوم بسیار مهم می‌رسیم که در ارتباط با این مسأله

چاقی^۱ اختلالی مزمن و شایع است که عامل مستعد کننده برای ابتلا به برخی بیماری‌ها مانند بیماری‌های قلبی-عروقی^۲، دیابت نوع دو^۳، و برخی از انواع سرطان^۴ می‌باشد و با توجه به شیوع روزافزون آن پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۳۰، ۵۰٪ درصد از کل جمعیت جهان چاق باشند (سوبول-گولدرگ و رابینوویتز، ۲۰۱۶)^۵. چاقی صرفاً زمینه‌ساز بروز مشکلات جسمانی نیست بلکه به عنوان یکی از تداخل‌های بین جسم و روان که در ادبیات پژوهشی مشاهده شده است، از عوامل بروز مشکلات رفتاری است (سوبول-گولدرگ و رابینوویتز، ۲۰۱۶). چاقی دارای ارتباطی دو سویه با آشفتگی‌های روانشناختی و وضعیت روانپزشکی شخص است. به عبارت دیگر بسیاری از مسائل روانشناختی به صورت عامل اولیه و ثابت می‌توانند سبب پدیدایی چاقی شوند و از دیگر سو خود چاقی نیز به بسیاری از پیامدهای روانشناختی نامساعد و نارضایتی از زندگی منجر می‌شود (عصار کاشانی، روشن، خلج، و محمدی، ۱۳۹۱). برای مثال اسجوبرگ، نیلسون و لپرت^۶ (۲۰۰۵) در تحقیق خود نشان دادند که کودکان چاق با بسیاری از رفتارهای نامطلوب مواجه هستند و بیشتر از رفتارهای تهاجمی استفاده می‌کنند. استورچ، میلوسوم، دبراگانزا، لوین، جفکن، سیلوراستاین^۷ (۲۰۰۷) نیز در مطالعه‌ی خود بیان

1. Obesity
2. Cardiovascular disease
3. Type 2 diabetes
4. Cancer
5. Sobol-Goldberg & Rabinowitz
6. Sjoberg, Nilsson & Leppert
7. Storch, Milsom, Debraganza, Lewin, Geffken & Silverstein

8. Shaw, O Rourke, Del Mar, & Kenardy

9. Hypertension

10. Hyperlipidemia

موس^{۱۰} (۲۰۰۵) معتقد است چنانچه فرد خود را از نظر ظاهری متفاوت از دیگران ادراک کند، به این معنی که ویژگی‌های ظاهری خود را به طور منفی ارزیابی نماید، احتمال دارد مشکلات اجتماعی بیشتری را تجربه کرده، واکنش‌های ضعیف‌تری را از دیگران دریافت کند و بنابراین سازگاری کلی ضعیف‌تری را ابراز نماید. با توجه به اینکه افراد چاق برآوردهای تحریف شده‌ای از ویژگی‌های جسمانی خود دارند، و ویژگی‌های ظاهری خود را به طور منفی ارزیابی می‌کنند، در معرض خطر اضطراب اجتماعی-جسمانی هستند. بطوریکه بلانک، بیرج، و ملاویلی^{۱۱} (۲۰۰۶) نشان دادند که کودکان چاق در مورد حضور در جمع و تصویر بدنی‌شان نگران هستند و در این میان دخترانی که اضافه وزن دارند بیشتر از پسران دچار مشکلاتی مانند تعامل اجتماعی پایین و حضور کم‌رنگ در جامعه می‌شوند.

با توجه به مطالب بیان شده لزوم بررسی مشکلات و مسائل روانشناختی افراد چاق بویژه دو متغیر تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی-جسمانی مشخص شد اما در سال‌های اخیر محققین با انجام مطالعات مروری^{۱۲} و فراتحلیل‌ها^{۱۳} پی برده‌اند که رابطه‌ی چاقی و مشکلات روانشناختی دوطرفه، مبهم، و متناقض است. فیث، کالامارو، دولان، و پیتروبولی^{۱۴} (۲۰۰۴)، این یافته‌های دوطرفه را به این حقیقت نسبت می‌دهند که اکثر مطالعات به دنبال یک "رابطه-ی ساده"^{۱۵} بین چاقی و مشکلات روانشناختی هستند. لذا این محققان توصیه می‌کنند در بررسی

مورد مطالعه قرار گرفته‌اند: "تصویر بدنی"^۱ و "اضطراب اجتماعی-جسمانی"^۲. تصویر بدنی را می‌توان به عنوان تصویر ذهنی فرد در مورد اندازه و شکل بدن (بعد ادراکی) و احساس وی نسبت به این ویژگی‌های جسمانی (بعد احساسی) تعریف کرد (کاستا، سیلوا، آلوارنگا، و دواسکونسلوس، ۲۰۱۶)^۳. ارتباط تنگاتنگ میان چاقی و تصویر بدنی مختل در بسیاری از تحقیقات تأیید شده است (دیون و همکاران^۴، ۲۰۱۵؛ سینگ، آشوک، بینو، پارسکار، و بی‌هومیکا^۵، ۲۰۱۵). شوارتز و براونل^۶ (۲۰۰۴) علت این امر را برآورد نادرست اندازه و شکل بدن در افراد چاق می‌دانند. از سوی دیگر فشار شدید فرهنگی برای لاغر شدن، به ویژه در جوامع غربی، موجب شیوع نارضایتی از تصویر بدنی بخصوص در میان نوجوانان چاق می‌شود (بورگس، گروگان و بورویتز، ۲۰۰۶)^۷. متغیر دیگری که با چاقی ارتباط دارد و پژوهش‌های اندکی در مورد آن انجام شده است، اضطراب اجتماعی-جسمانی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اضطراب اجتماعی-جسمانی با نگرانی در مورد بدن، چاقی و اختلالات خوردن ارتباط دارد (یوسفی، تأدیبی و حسنی، ۱۳۸۹). اضطراب اجتماعی-جسمانی یکی از مشکلات مرتبط با نارضایتی از وضعیت بدنی و زیرمجموعه‌ی اضطراب اجتماعی به شمار می‌رود و در شرایطی رخ می‌دهد که فرد احساس می‌کند ویژگی‌های جسمانی او منبع بالقوه‌ی تمسخر یا تحقیر شدنش است (هارت، لیری و ریجسکی^۸، ۱۹۸۹؛ موتل و کونری^۹، ۲۰۰۰).

9. Motle & Conroy

10. Moss

11. Blank, Berg & Melaville

12. Review study

13. Metanalysis

14. Faith, Calamaro, Dolan, & Pietrobelli

15. Simple associations

1. Body image

2. Social Physique Anxiety

3. Costa, Silva, Alvarenga, & de Vasconcelos

4. Dion et al

5. Singh, Ashok, Binu, Parsekar, & Bhumika

6. Schwarz & Brownell

7. Burgess, Grogan & Buwitz

8. Hart, Leary & Rejeski

همسالان، رسانه‌ها و نگرش‌های مذهبی قرار دارد. این عوامل اجتماعی-فرهنگی حتی بر نوع و میزان غذا خوردن افراد و فعالیت فیزیکی آنها تأثیر دارند. این مطالعه نشان داد که ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و پیام‌های دریافت شده از سوی رسانه‌ها، همسالان و والدین نقش مهمی در ویژگی‌های اندام ایده‌آل و در نتیجه نارضایتی از تصویر بدنی دارند (مک‌کاب، ماوآ، ریکیاردلی، شولتز، واگا، و فوتو، ۲۰۱۱).^۶ تحقیقات متعدد دیگری نیز نشان داده‌اند که عوامل اجتماعی-فرهنگی دخیل در نارضایتی از تصویر بدنی، شامل فشار رسانه، فشار همسالان، و فشار والدین می‌باشد (کلارک و تیگمان،^۷ ۲۰۰۶؛ هالی‌ول و هاروی،^۸ ۲۰۰۶). البته مطالعات متعددی نیز تلاش کرده‌اند که نشان دهند این عوامل سه‌گانه فرهنگ‌وابسته بوده و فقط در مورد کشورهای غربی صدق می‌کنند (گوردون، پرز، و جوینر،^۹ ۲۰۰۲؛ تیسای،^{۱۰} ۲۰۰۰). به عبارت دیگر با توجه به وجود اختلافات فرهنگی فراوان بین جوامع مختلف این احتمال وجود دارد که افراد چاق در یک کشور در معرض کاهش اعتماد به نفس و افزایش اضطراب اجتماعی-جسمانی باشند ولی در یک کشور دیگر اینگونه نباشد (مک‌کاب و همکاران، ۲۰۱۱). این رویکرد توسط مطالعاتی مورد حمایت قرار گرفته است که نشان می‌دهند زنان آسیایی نارضایتی بدنی کمتری از زنان غربی دارند و کمتر از آنان درگیر رفتارهای کاهش وزن هستند (لاوری، گالوسکا، فولتون، وکسلر، کان، و کولینز، ۲۰۰۰).^{۱۱} اما باید

مشکلات روانشناختی افراد چاق متغیرهای میانجی‌گر و تعدیل‌کننده مورد توجه قرار گیرند. به همین دلیل در پژوهش حاضر تلاش شده است تا نقش تعدیل‌کنندگی فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی در بروز مشکلات تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی-جسمانی افراد چاق مورد بررسی قرار گیرد.

یکی از عوامل تأثیرگذار در بروز مشکلات رفتاری و روانشناختی از جمله مشکلات تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی-جسمانی در زنان و دختران چاق و دارای اضافه وزن، عوامل اجتماعی-فرهنگی^۱ و تأکید افراطی الگوهای تبلیغی-تجاری رسانه‌های مد و زیبایی برخی جوامع بر لاغری مفرط به عنوان معیار تناسب در زنان است (لوین و پیران،^۲ ۲۰۰۴؛ ساندهوس، کورتز و استروب،^۳ ۲۰۰۱). پژوهش‌هایی که اخیراً انجام شده‌اند از مدل اجتماعی-فرهنگی نارضایتی از تصویر بدنی در افراد چاق حمایت می‌کنند. در این مدل بیان شده است که هرچه افراد چاق فشار بیشتری برای لاغر شدن احساس کنند در معرض مشکلات تصویر بدنی بیشتری هستند (فیتزسیمون-کرافت، هارنی، کوهلر، دانزی، ریدل، باردون-کون، ۲۰۱۲)^۴ و این نارضایتی از تصویر بدنی منجر به افزایش اضطراب اجتماعی-جسمانی می‌شود (برور، دیهل، کورنلیوس، جاشوآ، و وان‌راتل، ۲۰۰۴).^۵

مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۱ در چند کشور مختلف انجام شد نشان داد که تصویر بدنی ایده‌آل و نارضایتی از تصویر بدنی تحت تأثیر والدین،

6. McCabe, Mavoa, Ricciardelli, Schultz, Waqa, Fotu
7. Clark & Tiggemann
8. Halliwell & Harvey
9. Gordon, Perez, & Joiner
10. Tsai
11. Lowry, Galuska, Fulton, Wechsler, Kann & Collins,

1. Sociocultural factors
2. Levine & Piran
3. Sondhause, Kurtz & Strube
4. Fitzsimmons-Craft, Harney, Koehler, Danzi, Riddell, Bardone-Cone
5. Brewer, Diehl, Cornelius, Joshua, Van Raalte

نیافتند که به بررسی اضطراب اجتماعی-جسمانی در افراد چاق پرداخته باشد.

در نهایت باید گفت مبانی نظری و پژوهشی ذکر شده این ایده را تقویت می‌کنند که تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی- جسمانی در نوجوانان چاق و دارای وزن طبیعی متفاوت است. از این رو هدف پژوهش حاضر، مقایسه‌ی مشکلات تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی- جسمانی در نوجوانان چاق و دارای وزن طبیعی با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی است.

روش

پژوهش حاضر با توجه به اهداف، از نوع بنیادی و با توجه به نحوه‌ی جمع‌آوری داده‌ها و موضوع از نوع توصیفی و مقایسه‌ای است. جامعه‌ی آماری این پژوهش، شامل کلیه‌ی نوجوانان دختر مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۲-۹۱، در مقطع متوسطه-ی شهرستان تبریز (با دامنه سنی ۱۴ تا ۱۸) به تعداد ۵۰۰۰۰ نفر بود. نمونه‌ی مورد بررسی متشکل از ۷۰ نوجوان دختر چاق و ۷۲ نوجوان دختر دارای وزن طبیعی بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای یک مرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از افراد چاق، ابتدا از میان مناطق پنج‌گانه‌ی شهرستان تبریز منطقه‌ی چهار به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس با مراجعه به تمامی دبیرستان‌های این منطقه و اندازه‌گیری وزن و قد دانش‌آموزان، افراد چاق با استفاده از نمایه توده‌ی بدنی غربال شدند. وزن و قد دانش‌آموزان بوسیله‌ی کارشناس بهداشت هر مدرسه اندازه‌گیری شد. وزن با حداقل لباس، بدون کفش و با دقت 0.1kg با ترازوی دیجیتالی اندازه‌گیری شد و ترازوی مزبور هر روز پیش از شروع کار با یک

توجه داشت که در سال‌های اخیر فرهنگ غربی در مورد اندام ایده‌آل در حال نفوذ به کشورهای آسیایی از جمله ایران است و ساده‌ترین راه تشخیص آن محبوبیت فیلم‌های آمریکایی و اروپایی یا استفاده از ژورنال‌های مد و لباس در بین شاغلین صنعت مد و لباس است (ملور، مک‌کاب، ریکیاردلی، یه‌او، دالیزا، و موهدهاپیدزال، ۲۰۰۹).^۱ با توجه به تأثیر گسترده‌ی عوامل اجتماعی-فرهنگی بخصوص فشار والدین، همسالان، و رسانه‌ها که بدانها اشاره شد، فرضیه‌ی مطالعه‌ی حاضر این است که تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی-جسمانی در افراد چاق تحت تأثیر فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی قرار دارند و این مشکلات توسط فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی تعدیل می‌شوند.

لازم به ذکر است که با توجه به نفوذ و گسترش روزافزون استانداردهای اجتماعی-فرهنگی و ایده‌آل-های بدنی کشورهای غربی در کشور ما و افزایش فشار به افراد چاق برای کسب اندام لاغر، نیاز به شناخت آثار روانشناختی این استانداردها بر افراد و عملکرد روانی-اجتماعی آنها به خصوص در بین دختران جوان چاق، بیش از پیش احساس می‌شود. شناخت پیامدهای چاقی و عوامل اجتماعی-فرهنگی تشدیدکننده‌ی آنها باعث طراحی درمان‌های مؤثرتر و برنامه‌ریزی دقیق‌تر جهت کنترل مشکلات افراد چاق می‌شود. با وجود این ضرورت هیچ مداخله‌ی داخلی به بررسی فشار فرهنگی اجتماعی برای کاهش وزن و تغییر بدنی در افراد چاق پرداخته است. از سوی دیگر محققین پژوهش حاضر هیچ مطالعه‌ی داخلی را

1. Mellor, McCabe, Ricciardelli, Yeow, Daliza, Mohd Hapidzal

حمید پورشرفی و همکاران: مقایسه مشکلات تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی-جسمانی در نوجوانان چاق و دارای وزن...

اضافه وزن" و "اضافه وزن" به جای "اضافه وزن" و "چاقی" استفاده شده است (گرگری، حامدبهبزاد، سیدسجادی، کوشاور، و کرمی، ۱۳۸۹).

ابزار

۱) ترازوی قابل حمل دیجیتالی با حساسیت ۱۰۰ گرم و یک متر نواری غیرقابل اتساع به دقت ۰/۵ سانتی متر: از این ابزارها برای اندازه‌گیری شاخص توده‌ی بدنی (BMI) استفاده شد.

۲) پرسشنامه‌ی روابط چندبعدی بدن - خود^۳ (MBSRQ): یکی از روش‌های سنجش بدگویی از تصویر بدن، کاربرد پرسشنامه MBSRQ (Multidimensional Body-self Relation Questionnaire) است. این پرسشنامه یک آزمون ۴۶ گویه‌ای است که در سال ۱۹۹۷ توسط کش^۴ برای سنجش روابط چندبعدی بدن-خود ساخته شده است. پرسش‌های آزمون، شش بعد روابط بدن-خود شامل: ارزشیابی قیافه، جهت‌گیری قیافه، ارزشیابی تناسب اندام، جهت‌گیری تناسب اندام، وزن ذهنی و رضایت بدنی (اجزای بدن) را بر حسب مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ = کاملاً مخالفم تا نمره ۵ = کاملاً موافقم می‌سنجد. اعتباریابی MBSRQ توسط آگلیاتا و تان‌تلف^۵ (۲۰۰۴) انجام شده و همسانی درونی «ارزشیابی قیافه» ۰/۸۶، «جهت‌گیری قیافه» ۰/۸۹، «ارزشیابی تناسب اندام» ۰/۸۰، «جهت‌گیری تناسب اندام» ۰/۹۱، «وزن ذهنی» ۰/۹۰، و «رضایت بدنی» ۰/۷۷ بوده است.

در فرم فارسی این مقیاس (لوئیس، ۱۳۸۴)، ضرایب آلفای کرونباخ ماده‌های هر یک از خرده-

وزنه‌ی شاهد ۲ کیلویی تنظیم می‌شد. قد نیز به صورت ایستاده بر روی یک سطح صاف، بدون کفش و با دقت ۰/۵cm با استفاده از یک متر نواری اندازه‌گیری شد. به تمامی دانش‌آموزان که چاق بودند، پرسشنامه‌های تحقیق داده شد. افراد با وزن طبیعی نیز از نظر سن و تحصیلات با گروه افراد چاق هم‌تاسازی شدند و پرسشنامه‌های مشابهی را تکمیل کردند.

لازم به ذکر است که پژوهشگران پرسشنامه‌ها را تنها در اختیار کسانی قرار می‌دادند که کاملاً مایل به شرکت در پژوهش بودند و به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعاتشان کاملاً محرمانه خواهد ماند و نتایج به صورت گروهی و آماری و نه به صورت فردی منتشر خواهد شد.

تعریفی که به طور گسترده برای چاقی پذیرفته شده، استفاده از نمایه‌ی توده‌ی بدنی (BMI)^۱ است. این شاخص از تقسیم وزن (به کیلوگرم) بر مجذور قد (به متر) به دست می‌آید. در مطالعه‌ی حاضر با توجه به این که نمونه‌ی مورد مطالعه نوجوانان بودند و نسبت‌های بدن به طور طبیعی در دوران بلوغ تغییر می‌کند بنابراین ما طبق تعریف مرکز کنترل بیماری‌ها CDC^۲ نمره‌ی انحراف معیار نمایه‌ی توده‌ی بدن (z-score)، بر حسب سن، مساوی یا بیشتر از ۲ را چاق تعریف کردیم. طبقه بندی BMI نیز در مطالعه‌ی حاضر بر اساس معیار CDC، به این ترتیب بوده است که BMI بالای صدک ۹۵ به عنوان گروه چاق، بین صدک ۸۵-۹۵ گروه اضافه وزن و بین صدک ۵-۸۵ به عنوان گروه طبیعی نام‌گذاری شده‌اند. شایان ذکر است در برخی مطالعات همچون مطالعه‌ی گرگری و همکاران از اصطلاحات "در معرض خطر

3. Multidimensional Body-self Relations Questionnaire

4. Cash

5. Agliata & Tantelef

1. Body Mass Index

2. Center for Disease Control

تحلیل عاملی یوسفی، حسنی و شکری (۲۰۰۹) و محاسبه‌ی آلفای کرونباخ، نتایج حاکی از پایایی درونی ۰/۸۵ برای دانشجویان دختر و ۰/۸۱ برای دانشجویان پسر بود که حاکی از پایایی قابل قبول فرم ایرانی این مقیاس است. همچنین روایی سازه‌ی این مقیاس با استفاده از روش تحلیل عاملی حاکی از روایی قابل قبول در جامعه‌ی ایرانی بود.

۴- پرسشنامه‌ی فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییرات بدنی (SCIQ): پرسشنامه‌ی فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی توسط مک‌کاب و ریکاردلی^۲ در سال ۲۰۰۱ به منظور ارزیابی فشار ادراک شده برای کاهش وزن از سوی مادر، پدر، بهترین دوست و رسانه‌ها؛ و پیغام‌های دریافت شده از همان منابع برای افزایش عضلات ساخته شده است. این مقیاس در اصل برای نوجوانان ایجاد شده و سطوح بالایی از پایایی و روایی ($\alpha > .81$) را برای آن گروه سنی نشان داده است (مک‌کاب و ریکاردلی، ۲۰۰۱). این پرسشنامه شامل ۱۲ گویه است که ۶ گویه فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و ۶ گویه‌ی دیگر فشار اجتماعی-فرهنگی برای افزایش عضله را می‌سنجند. کسب نمرات بالاتر نشان دهنده‌ی فشار بیشتر برای کاهش وزن یا افزایش عضله است.

در این مطالعه برای اطمینان از کفایت نسخه ایرانی، فرم انگلیسی پرسشنامه‌ی فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی به فارسی و مجدداً به انگلیسی برگردانده شد. پس از اطمینان از تطابق فرم ترجمه شده با فرم اصلی، نسخه ایرانی مورد استفاده قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در

مقیاس‌ها در مورد یک نمونه ۲۱۷ نفری از دانش‌آموزان به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۸۵، ۰/۸۳، ۰/۷۹، ۰/۹۱ و ۰/۹۴ گزارش گردید که نشانه‌ی همسانی درونی خوب پرسشنامه است. ضرایب همبستگی بین نمره-های ۶۷ نفر از نمونه‌ی پیش گفته در دو نوبت با فاصله دو هفته به ترتیب ۰/۷۸ برای ارزشیابی قیافه، ۰/۷۵ برای جهت‌گیری قیافه، ۰/۷۱ برای ارزشیابی تناسب اندام، ۰/۶۹ برای جهت‌گیری تناسب اندام، ۰/۸۴ برای وزن ذهنی و ۰/۸۹ برای رضایت بدنی به دست آمد که نشانه‌ی پایایی بازآزمایی رضایت بخش مقیاس است.

۳- پرسشنامه‌ی اضطراب اجتماعی^۳ جسمانی (SPAS): مقیاس اضطراب اجتماعی^۳ جسمانی (موتل و کونروی، ۲۰۰۰) مشتمل بر ۷ گویه‌ی لیکرتی است که بر اساس مقیاس ۱۲ گویه‌ای اولیه‌ی هارت، لیری و رجسکی (۱۹۸۹) تهیه شده است. این مقیاس میزان اضطراب تجربه شده توسط یک فرد در مورد شکل اندامش در یک موقعیت اجتماعی را اندازه می‌گیرد و تصویر ذهنی فرد از وزن و شکل بدنش به طور مستقیم در این پرسشنامه سنجیده نمی‌شود. آزمودنی‌ها پاسخ خود را به هر گویه بر روی مقیاس لیکرتی از ۱ = اصلاً تا ۵ = شدیداً، متناسب با وضعیت خود مشخص می‌کنند. نمره‌ی آزمودنی دارای دامنه‌ای از ۷ تا ۳۵ است. هرچه نمره بیشتر باشد، فرد دارای سطوح بالاتری از اضطراب اجتماعی-جسمانی محسوب خواهد شد.

اسکات و همکاران^۱ در سال ۲۰۰۴ پایایی زمانی این آزمون را بر اساس روش بازآزمایی ۰/۹۴ گزارش کرده‌اند (صالحی و رحمانی، ۱۳۸۹). براساس نتایج

حمید پورشریفی و همکاران: مقایسه مشکلات تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی-جسمانی در نوجوانان چاق و دارای وزن...

بدنی کسب کرده بودند، به عنوان گروهی که فشار بالایی برای کاهش وزن و تغییر بدنی دارند، گروه بندی شدند و بدین ترتیب از روش تحلیل واریانس دو عاملی چند متغیره (۲×۲) جهت بررسی اثر اصلی وزن (با دو سطح چاق و دارای وزن طبیعی) و اثر اصلی میزان فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی (با دو سطح میزان فشار بالا و پایین) بر مؤلفه‌های تصویر بدنی و اضطراب اجتماع-جسمانی و نیز تعامل اثر وزن و میزان فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی استفاده شد.

یافته‌ها

دامنه‌ی سنی شرکت‌کنندگان در مطالعه‌ی حاضر، ۱۸-۱۴ سال، میانگین سنی افراد گروه چاق ۱۶/۶ سال و میانگین سنی افراد گروه دارای وزن طبیعی ۱۶/۲ سال بود. دامنه‌ی وزنی شرکت‌کنندگان ۱۱۰-۴۵ کیلوگرم، میانگین وزنی افراد گروه چاق، ۸۴ کیلوگرم و میانگین وزنی افراد گروه دارای وزن طبیعی، ۶۲ کیلوگرم بود. تمامی شرکت‌کنندگان، مجرد بودند. به منظور بررسی تفاوت مشکلات تصویر بدنی در نوجوانان چاق و دارای وزن طبیعی و بررسی نقش تعدیل‌کنندگی فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی در افزایش یا کاهش مشکلات تصویر بدنی از روش تحلیل واریانس دو عاملی چند متغیره استفاده شد. در جدول ۱ اطلاعات توصیفی مشکلات تصویر بدنی به تفکیک افراد چاق و دارای وزن طبیعی و نیز به تفکیک میزان فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی ارائه شده است.

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین کل نمره‌ی تصویر بدنی در افراد چاق کمتر از افراد

پژوهش حاضر نیز محاسبه شد ($\alpha > .81$) که نشان از پایایی خوب و بالاتر از متوسط داشت. این همسانی درونی بالا همچنین نشان از روایی سازه‌ی مناسب برای این پرسشنامه است.

در طی اجرای پژوهش پس از هماهنگی با مسئولین مدارس ابتدا دانش‌آموزانی که به نظر می‌رسید شاخص توده‌ی بدنی بالای ۳۰ دارند برای اندازه‌گیری قد و وزن نزد مسئول بهداشت مدرسه رفته تا قد و وزن آنها اندازه گرفته شود. پس از تعیین میزان شاخص توده‌ی بدنی این افراد، در صورتی که BMI آنها بالاتر از ۳۰ بود و تمایل به شرکت در پژوهش داشتند، پرسشنامه‌های پژوهش را تکمیل می‌کردند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، آنها رادر نرم افزار SPSS وارد کرده و نتایج مورد بحث و بررسی قرار گرفتند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این پژوهش از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. در بخش آمار توصیفی از شاخص‌هایی چون میانگین و انحراف معیار جهت نشان دادن وضعیت داده‌ها استفاده شد. در بخش آمار استنباطی نیز از روش تحلیل واریانس دو عاملی چندمتغیره جهت تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها استفاده شد. به منظور انجام تحلیل‌های مورد نظر، متغیر فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی از متغیر فاصله‌ای به متغیر ترتیبی تبدیل شد، بدین صورت که ابتدا میانگین فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی برای داده‌های پژوهش محاسبه شد و سپس افرادی که نمره‌ی کمتر از میانگین دریافت کرده بودند به عنوان گروهی که فشار کمی برای کاهش وزن و تغییر بدنی دارند و در مقابل افرادی که نمره‌ی بالاتری از میانگین در میزان فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر

وزن و تغییر بدنی نقشی در افزایش مشکلات تصویر بدنی در افراد چاق ندارد. به عبارت دیگر میزان فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی، نقش تعدیل‌کنندگی در افزایش یا کاهش مشکلات تصویر بدنی ندارد.

به منظور بررسی تفاوت اضطراب اجتماعی-جسمانی در نوجوانان چاق و دارای وزن طبیعی و نیز بررسی نقش تعدیل‌کنندگی فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی در افزایش یا کاهش اضطراب اجتماعی-جسمانی در نوجوانان چاق و دارای وزن طبیعی از روش تحلیل واریانس دو عاملی چند متغیره استفاده شد. در جدول ۳، اطلاعات توصیفی اضطراب اجتماعی-جسمانی به تفکیک افراد چاق و دارای وزن طبیعی و نیز به تفکیک میزان فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی ارائه شده است. همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، میانگین کل نمره‌ی اضطراب اجتماعی-جسمانی در افراد چاق بیشتر از افراد دارای وزن طبیعی است و در هر دو گروه چاق و دارای وزن طبیعی، افرادی که فشار اجتماعی-فرهنگی بالایی برای کاهش وزن و تغییر بدنی تجربه می‌کنند، نمره‌ی اضطراب اجتماعی-جسمانی بالاتری از افرادی دارند که فشار اجتماعی-فرهنگی کمتری تجربه می‌کنند.

دارای وزن طبیعی است. علاوه بر این، در هر دو گروه چاق و دارای وزن طبیعی، افرادی که فشار اجتماعی-فرهنگی بالایی برای کاهش وزن و تغییر بدنی تجربه می‌کنند، نمره‌ی تصویر بدنی کمتری نسبت به افرادی دارند که فشار اجتماعی-فرهنگی پایینی تجربه می‌کنند.

بررسی مفروضه‌های آزمون تحلیل واریانس دو عاملی چند متغیره نشان می‌دهد که مفروضه‌ی همگنی واریانس‌ها با استفاده از آزمون لون صادق است ($F=0/927$ و $p>0/430$). علاوه بر این نرمال بودن توزیع متغیر تصویر بدنی که با آزمون کولموگراف-اسمیرنوف سنجیده شد، توزیع طبیعی این متغیر را نشان داد ($Z=0/770$ $p=0/594$). نتایج تحلیل واریانس دو عاملی چند متغیره در جدول ۲ ارائه شده است.

همانگونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، اثر اصلی وزن معنادار است ($F=10/87$ و $p=0/001$). یعنی افراد چاق و دارای وزن طبیعی از نظر تصویر بدنی با هم تفاوت دارند. با توجه به جدول ۱ از آنجا که میانگین افراد چاق کمتر از افراد دارای وزن طبیعی است، می‌توان گفت افراد چاق نسبت به افراد دارای وزن طبیعی مشکلات تصویر بدنی بیشتری دارند. بر اساس نتایج جدول ۲ اثر اصلی میزان فشار معنادار نیست ($F=2/96$ $p=0/087$). یعنی شواهدی برای تفاوت دو گروه فشار اجتماعی-فرهنگی بالا و پایین برای کاهش وزن و تغییر بدنی در هر دو گروه چاق و دارای وزن طبیعی از نظر تصویر بدنی وجود ندارد. همچنین براساس نتایج جدول ۲، تعامل وزن و عامل میزان فشار معنادار نیست ($F=0/019$ و $p=0/890$). یعنی افزایش فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش

حمید پورشریفی و همکاران: مقایسه مشکلات تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی-جسمانی در نوجوانان چاق و دارای وزن...

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار تصویر بدنی به تفکیک وزن و میزان فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی

وزن	میزان فشار	میانگین	انحراف معیار
چاق	فشار بالا	۲۵/۴۳	۲/۴۴
	فشار پایین	۲۶/۳۷	۱/۸۴
	کل	۲۵/۶۲	۲/۳۵
وزن طبیعی	فشار بالا	۲۷/۱۶	۲/۹۰
	فشار پایین	۲۷/۹۶	۲/۴۷
	کل	۲۷/۷۶	۲/۵۹
کل	فشار بالا	۲۵/۸۹	۲/۶۶
	فشار پایین	۲۷/۶۷	۲/۴۴
	کل	۲۶/۷۸	۲/۶۹

جدول ۲. آزمون تحلیل واریانس دو عاملی چند متغیره برای تصویر بدنی

منابع اثر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	ضریب سهمی اتا
وزن	۶۶/۶۹	۱	۶۶/۶۹	۱۰/۸۷	۰/۰۰۱	۰/۰۷۳
میزان فشار	۱۸/۱۹	۱	۱۸/۱۹	۲/۹۶	۰/۰۸۷	۰/۰۲۱
تعامل گروه و میزان فشار	۰/۱۱۸	۱	۰/۱۱۸	۰/۰۱۹	۰/۸۹۰	۰/۰۰۱
خطا	۸۴۶/۰۶	۱۳۸	۶/۱۳۱			
کل	۱۰۲۹/۰۴/۵۲	۱۴۱				

جدول ۳. میانگین و انحراف معیار مربوط به اضطراب اجتماعی - جسمانی به تفکیک وزن و میزان فشار اجتماعی - فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی

وزن	میزان فشار	میانگین	انحراف معیار
	فشار بالا	۲۴/۲۳	۶/۵۰
چاق	فشار پایین	۲۰/۳۰	۶/۶۵
	کل	۲۳/۴۴	۶/۶۷
	فشار بالا	۱۸/۷۳	۶/۰۹
وزن طبیعی	فشار پایین	۱۷/۱۳	۶/۹۸
	کل	۱۷/۵۳	۶/۷۶
	فشار بالا	۲۲/۷۶	۶/۸۱
کل	فشار پایین	۱۷/۷۱	۶/۹۸
	کل	۲۰/۲۳	۷/۳۲

جدول ۴. آزمون تحلیل واریانس دو عاملی چند متغیره برای اضطراب اجتماعی - جسمانی

منابع اثر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	ضریب سهمی اتا
وزن	۴۵۲/۰۹	۱	۴۵۲/۰۹	۱۰/۱۶۷	۰/۰۰۲	۰/۰۶۹
میزان فشار	۱۸۳/۶۵	۱	۱۸۳/۶۵	۴/۱۳۰	۰/۰۴۴	۰/۰۲۹
تعامل گروه و میزان فشار	۳۲/۵۳۵	۱	۳۲/۵۳۵	۰/۷۳۲	۰/۳۹۴	۰/۰۰۵
خطا	۶۱۳۶/۵۸	۱۳۸	۴۴/۴۶			
کل	۶۵۷۳۴/۰۰	۱۴۲				

بدنی نقش تعدیل کنندگی در افزایش یا کاهش اضطراب اجتماعی-جسمانی ندارد.

نتیجه‌گیری و بحث

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که مشکلات تصویر بدنی در نوجوانان دختر چاق بیشتر از نوجوانان دختر دارای وزن طبیعی است. این یافته همسو با یافته‌های دنیس، موهده‌بهار، عیسی، و آدیلین^۱ (۲۰۱۴)، اسمولاک^۲ (۲۰۰۴) و بورگس، گروگان و بورویتر (۲۰۰۶) است. در توضیح بالا بودن مشکلات تصویر بدنی در نوجوانان چاق باید گفت فرم‌های قابل قبول اخیر برای اندام زنان به لاغری ارزش می‌دهند که به تصویر کشنده‌ی صفاتی مانند زیبایی، پاکیزگی، موفقیت، تناسب اندام و سلامتی همراه با لاغری هستند (براونل، ۱۹۹۱) محققان نشان داده‌اند که هم در میان پسرها و هم دخترها، کسانی که شاخص توده بدنی بیشتری دارند تمایل بیشتری به لاغر شدن را گزارش می‌کنند و این افزایش شاخص توده بدنی با سازه‌های مربوطه مانند نارضایتی از بدن، تلاش برای لاغر شدن، احساس خود ارزشمندی کم و نگرانی درباره اضافه وزن داشتن و رژیم گرفتن وابسته است (مبعث زمانی، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر با توجه به تحقیقات باید گفت که اهمیت جذابیت ظاهری و تصویر بدنی در بین نوجوانان بیشتر از سایر قشرهای مردم است (پوپ، مک‌هیل و کرپهدا، ۱۳۸۳). در طول دوره‌ی نوجوانی افراد تغییرات فیزیولوژیکی، روانشناختی و اجتماعی بسیاری را تجربه می‌کنند که ناشی از بلوغ است و می‌تواند تأثیرات بالقوه‌ای بر زندگی نوجوان بگذارد (ویلرز، ۲۰۰۶). روزنبلوم و لوئیس (۱۹۹۹) این

بررسی مفروضه‌های آزمون تحلیل واریانس دو عاملی چند متغیره نشان می‌دهد که مفروضه‌ی همگنی واریانس‌ها با استفاده از آزمون لون صادق است ($F=0/075$ و $p>0/973$). علاوه بر این نرمال بودن توزیع متغیر اضطراب اجتماعی-جسمانی که با آزمون کولموگراف-اسمیرنوف سنجیده شد، توزیع طبیعی این متغیر را نشان داد ($Z=0/929$ $p=0/354$). نتایج تحلیل واریانس دو عاملی چند متغیره در جدول ۴ ارائه شده است.

همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، اثر اصلی وزن معنادار است ($F=10/167$ $p=0/002$). یعنی افراد چاق و دارای وزن طبیعی از نظر اضطراب اجتماعی-جسمانی با هم تفاوت دارند. با توجه به جدول ۳ از آنجا که میانگین افراد چاق بیشتر از افراد دارای وزن طبیعی است می‌توان گفت افراد چاق نسبت به افراد دارای وزن طبیعی اضطراب اجتماعی-جسمانی بیشتری دارند. همچنین بر اساس نتایج جدول ۴ اثر اصلی میزان فشار نیز معنادار است ($F=4/130$ $p=0/044$). یعنی شواهدی برای تفاوت دو گروه فشار بالا و پایین اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی از نظر اضطراب اجتماعی-جسمانی وجود دارد. با توجه به جدول ۳ چون میانگین اضطراب اجتماعی-جسمانی افرادی که فشار بالایی برای کاهش وزن و تغییر بدنی تجربه می‌کنند بیشتر از افرادی است که فشار کمتری تجربه می‌کنند، می‌توان گفت که فشار اجتماعی-فرهنگی بالا برای کاهش وزن و تغییر بدنی نقش معناداری در افزایش اضطراب اجتماعی-جسمانی دارد. براساس نتایج جدول ۴ تعامل وزن و عامل میزان فشار معنادار نیست ($F=0/732$ $p=0/394$). به عبارت دیگر میزان فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر

عدم الگوهای رایج رسانه‌ای در زمینه‌ی مد و زیبایی در ایران، این موضوع را دلیل سطح بالاتر عزت نفس جسمانی دانشجویان مورد بررسی در مقایسه با دانشجویان آمریکایی می‌داند. نبود تبلیغات رسمی رسانه‌ای در زمینه‌ی مد و زیبایی در ایران ممکن است تا حدودی موجب ایجاد مصونیت جامعه از بمباران تبلیغی-تجاری مؤسسات مد و زیبایی برون مرزی شده باشد.

دلیل دیگری که می‌تواند این یافته‌ی متناقض با پژوهش‌های پیشین را توضیح دهد نحوه‌ی ارزیابی فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی است. در این پژوهش فشار اجتماعی-فرهنگی از سوی رسانه، پدر، مادر، و بهترین دوست سنجیده شده است و ممکن است این ابزار توان بالایی برای ارزیابی فشار وارد شده به دختران نوجوان چاق برای کاهش وزن را نداشته باشد. در مورد رسانه باید اشاره کرد که تبلیغات رسمی رسانه‌ای در زمینه‌ی مد و زیبایی در ایران وجود ندارد. از سوی دیگر با توجه به اینکه ایده‌آل‌های بدنی لاغر چند سال بیشتر نیست که در ایران رواج یافته ایده‌آل‌های بدنی والدین به بهترین فرزندان نوجوان خود لاغر نیست. بهترین دوست نیز ممکن است برخلاف دوستان کمتر نزدیک، در زمینه‌ی وزن دوست نزدیک خویش اظهار نظر نکند.

علاوه بر این، نتایج تحقیق حاضر نشان داد که تعامل معناداری میان چاقی و فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی در ایجاد مشکلات تصویر بدنی وجود ندارد. به عبارت دیگر افزایش یا کاهش فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی نقشی در افزایش یا کاهش

تغییرات جسمانی را با تغییرات تصویر بدنی نوجوان منطبق دانسته و معتقدند تغییرات در ظاهر جسمانی و افزایش درون‌نگری نوجوانان ممکن است باعث شود آنان نسبت به این امر به شدت آسیب پذیر شوند، به طوری که در این دوران نارضایتی از بدن افزایش یافته و تصویر بدنی منفی در آنان شکل بگیرد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که مشکلات تصویر بدنی در نوجوانان دختر چاق و دارای وزن طبیعی بوسیله‌ی فشار فرهنگی-اجتماعی برای کاهش وزن و تغییر بدنی تعدیل نمی‌شود. به این یافته از دو دیدگاه می‌توان نگاه کرد ابتدا باید اثر اصلی فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی را مورد بررسی قرار داد سپس نقش تعدیل‌کنندگی این متغیر را در بالا رفتن مشکلات تصویر بدنی در نوجوانان دختر چاق و دارای وزن طبیعی بررسی کرد.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، اثر اصلی فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی در افزایش مشکلات تصویر بدنی نوجوانان دختر چاق و دارای وزن طبیعی نقشی ندارد. این یافته با تحقیقات آلن، بیرنه، مک‌لین، و دیویس^۱ (۲۰۰۸) و مک‌کاب و ریکاردلی (۲۰۰۱) ناهمسو است. دلیل این یافته‌ی ناهمسو با تحقیقات خارجی را می‌توان به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت ایران با جوامع دانست که در آنها نتایج مورد اشاره به دست آمده است. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد عوامل نژادی، فرهنگی و اجتماعی در تفسیر الگوهای جذابیت‌های جسمانی مؤثر است (آکیبا^۲، ۱۹۹۸). برای مثال آکیبا (۱۹۹۸) در مطالعه‌ای بین فرهنگی ضمن اشاره به شرایط خاص و به زعم او

1. Allen, Byrne, McLean & Davis
2. Akiba

حمید پورشریفی و همکاران: مقایسه مشکلات تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی-جسمانی در نوجوانان چاق و دارای وزن...

افزایش معنادار اضطراب اجتماعی-جسمانی در نوجوانان دختر چاق می‌شود. این یافته همسو با تحقیقات لوین و پیران (۲۰۰۴) و ساندهوس، کورتز و استروب (۲۰۰۱) است. یکی از متغیرهایی که در تفسیر دلایل بالا بودن سطح نارضایتی جسمانی و اضطراب اجتماعی-جسمانی در زنان نسبت به مردان مطرح است، عوامل اجتماعی-فرهنگی و تأکید افراطی الگوهای تبلیغی-تجاری رسانه‌های مد و زیبایی برخی جوامع بر لاغری مفرط به عنوان معیار تناسب در زنان است (لوین و پیران، ۲۰۰۴؛ ساندهوس، کورتز و استروب، ۲۰۰۱). هرچند این فشار ممکن است در فرهنگ و جامعه‌ی ایران به مراتب کمتر باشد، اما در افزایش اضطراب اجتماعی-جسمانی نقش معناداری دارد.

با این حال، با توجه به یافته‌های پژوهش تعامل میان عامل وزن و فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی معنادار نیست. به عبارت دیگر، بالا یا پایین بودن فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی نقشی در افزایش یا کاهش اضطراب اجتماعی-جسمانی در افراد چاق ندارد. بنابراین می‌توان گفت، افزایش یا کاهش اضطراب اجتماعی-جسمانی در افراد چاق بیشتر تحت تأثیر توده‌ی بدنی این افراد است نه میزان فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی اما چون فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی نیز در افزایش اضطراب اجتماعی-جسمانی نقش دارد پس می‌توان گفت هر کدام از این عوامل به طور جداگانه در ایجاد اضطراب اجتماعی-جسمانی نقش دارند و هیچکدام نقش دیگری را در افزایش یا کاهش اضطراب اجتماعی-جسمانی تعدیل نمی‌کند.

مشکلات تصویر بدنی در افراد چاق ندارد. بنابراین می‌توان گفت، مشکلات تصویر بدنی در افراد چاق بیشتر تحت تأثیر توده‌ی بدنی این افراد است نه میزان فشار اجتماعی-فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که اضطراب اجتماعی-جسمانی در نوجوانان دختر چاق نسبت به نوجوانان دختر دارای وزن طبیعی بیشتر است. این یافته همسو با تحقیقات یوسفی و همکاران (۱۳۸۹) و بلانک و همکاران (۲۰۰۶) است. بر اساس تحقیقات لیندوال و لیندگرن^۱ (۲۰۰۵) افزایش وزن، کاهش شاخص‌ها و ویژگی‌های آمادگی جسمانی بر عزت نفس جسمانی و احساس خودکارآمدی جسمانی مؤثر است و این عوامل بر افزایش اضطراب اجتماعی-جسمانی تأثیر خواهد گذاشت. علاوه بر این ورزش تأثیر نافذی بر سطح اضطراب اجتماعی-جسمانی دارد که در افراد چاق میزان ورزش و فعالیت بدنی بسیار پایین است (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹).

از سوی دیگر، همانگونه که در بخش یافته‌ها ذکر شده است، نوجوانان چاق مشکلات تصویر بدنی بیشتری نسبت به نوجوانان دارای وزن طبیعی دارند و یکی از شرایط پذیرش اجتماعی از سوی دیگران به ساختار فیزیکی و جذابیت جسمانی فرد بستگی دارد و به همین دلیل نگرانی درباره‌ی تصویر بدنی می‌تواند در افزایش اضطراب اجتماعی-جسمانی در افراد چاق نقش داشته باشد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که فشار اجتماعی-فرهنگی بالا برای کاهش وزن و تغییر بدنی موجب

با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که دو عامل وزن و میزان فشار اجتماعی- فرهنگی برای کاهش وزن و تغییر بدنی نقش مهمی در افزایش مشکلات روانشناختی افراد چاق دارند. اما هیچکدام از این دو عامل نقش دیگری را در افزایش یا کاهش مشکلات تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی- جسمانی تعدیل نمی‌کنند.

محدودیت مطالعه‌ی حاضر استفاده از ابزارهای خود گزارش دهی و محدود بودن نمونه‌ی پژوهشی به زنان بود که امکان مقایسه‌ی تفاوت‌های جنسیتی در متغیرهای مورد بررسی میسر نبود. نکته قوت این مطالعه علاوه بر بدیع بودن موضوع، بررسی نقش تعدیل‌کنندگی فشار اجتماعی- فرهنگی در افراد چاق و نقش آن در ایجاد مشکلات در این افراد بود. زیرا رفتار امری پیچیده و تحت تأثیر متغیرهای چندگانه است و پیش‌بینی رفتار به وسیله‌ی متغیرهای بیشتر، بهتر از متغیرهای کمتر امکان‌پذیر است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حمید پورشریفی و همکاران: مقایسه مشکلات تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی-جسمانی در نوجوانان چاق و دارای وزن...

منابع

- پوپ، آ.، مک هیرل، س. و کریهدا، آ. (۱۳۸۳). افزایش احترام به خود در کودکان و نوجوانان. ترجمه پریسا تجلی، انتشارات رشد، تهران، ص ۲۱۰.
- پورقاسم گرگری، ب.؛ حامدبهباد، م.؛ سیدسجادی، ن.؛ کوشاور، ن.؛ کرمی، ص. (۱۳۸۹). «ارتباط نمایه توده بدنی با نگرش تغذیه-ای در دانش‌آموزان دبیرستانی دختر شهر تبریز». *مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز*. دوره ۳۲، شماره ۳. ۲۹-۲۴.
- زبردست، ع.؛ بشارت، م.ع.؛ پورحسین، ر.؛ بهرامی احسان، ه.؛ پورشریفی، ح. (۱۳۹۴). «مقایسه اثربخشی درمان روابط بین‌شخصی و مدیریت هیجان در کاهش وزن زنان چاق و دارای اضافه وزن». *فصلنامه روانشناسی سلامت*، شماره ۱۴، ۲۵-۱.
- صادقی، خ.؛ غزایی، ب.؛ فتی، ل.؛ مظهري، س.ض. (۱۳۸۹). «اثربخشی رفتاردرمانی شناختی در درمان مبتلایان به چاقی». *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، شماره ۲، ۱۰۷-۱۱۷.
- صالحی، ح.؛ رحمانی، ا. (۱۳۸۹). «نقش اضطراب اجتماعی اندام در تعیین انگیزه مشارکت در تمرینات ورزشی». *مجله رشد و یادگیری حرکتی-ورزشی*، شماره ۶. ۸۱-۱۰۱.
- علی اکبری دهکردی، م. (۱۳۹۴). «مقایسه اختلالات برونی‌سازی شده در پسران دارای اضافه وزن با پسران دارای وزن طبیعی: با تأکید بر اختلال سلوک». *روانشناسی سلامت*، شماره ۱۶، ۴۰-۳۰.
- عصار کاشانی، ه.؛ روشن، ر.؛ خلج، ع.ر.؛ محمدی، ج. (۱۳۹۱). «مقایسه ناگویی هیجانی و تصویر بدنی در افراد چاق، دارای اضافه وزن و وزن بهنجار». *فصلنامه روانشناسی سلامت*، شماره ۲، ۸۰-۷۰.
- لوئیس، ژ (۱۳۸۴). *آزمونهای شخصیت*. ترجمه: محمدعلی بشارت و محمدحبيب نژاد. تهران: نشر آبیژن. چاپ اول
- مبعث زمانی، م. (۱۳۹۰). «پیش بینی نارضایتی از تصویر بدنی بر اساس عوامل روانشناختی و اجتماعی - فرهنگی». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
- یوسفی، ب.؛ تأدیبی، و.؛ حسینی، ز. (۱۳۸۹). «اثر جنسیت و ورزش بر رضایتمندی از ابعاد بدنی و اضطراب اجتماعی-جسمانی دانشجویان دانشگاه-های آزاد اسلامی منطقه ۱۱». *مجله مدیریت ورزشی*، شماره ۶ - ۱۳۶-۱۲۱.

Reference

- Akiba, D. (1998). Cultural variations in body esteem: how young adults in Iran and the United States view their own appearances. *The journal of social psychology*, 14, 539-40.
- Agliata, D. & Tantelef-Dunn, S. (2004). The impact of media exposure on male body image. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 23(1), 7-22.
- Allen, K.L.; Byrne, S.M.; McLean, N. J. & Davis, E.A. (2008). Overconcern with weight and shape is not the same as body dissatisfaction: Evidence from a prospective study of pre-adolescent boys and girls. *Body Image*, 5, 261° 270.

- Fitzsimmons-Craft, E.E.; Harney, M.B.; Koehler, L.G.; Danzi, L.E.; Riddell, M.K. & Bardone-Cone, A.M. (2012). Explaining the relation between thin ideal internalization and body dissatisfaction among college women: The roles of social comparison and body surveillance. *Body Image*, 9, 43-49.
- Gordon, K. H.; Perez, M. & Joiner, T. E. (2002). The impact of racial stereotypes on eating disorder recognition. *International Journal of Eating Disorders*, 32, 219° 224.
- Halliwell, E. & Harvey, M. (2006). Examination of a sociocultural model of disordered eating among male and female adolescents. *British Journal of Health Psychology*, 11, 235° 248.
- Hart, E.A.; Leary, M.R. & Rejeski, W.J. (1989). The measurement of social physique anxiety in female. *Journal of sport and exercise psychology*, 11, 94-104.
- Lowry, R.; Galuska, D. A.; Fulton, J. E.; Wechsler, H.; Kann, L. & Collins, J. L. (2000). Physical activity, food choice, and weight management goals and practices among U.S. college students. *American Journal of Preventive Medicine*, 181, 18° 27.
- Levine, M.P. & Piran, N. (2004). The role of body images in the prevention of eating disorders. *Body image*, 1, 57-70.
- Lindwall, M. & Lindgren, E.C. (2005). The effects of a 6-month exercise intervention program on physical self-perceptions and social physique anxiety in non ° physically active Swedish girls. 643- *Psychology of sport and exercise*, 6. 658.
- McCabe, M.P.; Mavoa, H.; Ricciardelli, L.A.; Schultz, J.T.; Waqa, G. & Fotu, K.F. (2011). Socio-cultural agents and their impact on body image and body change strategies among adolescents in Fiji, Tonga, Tongans in New Zealand and Australia. *Obesity Reviews*, 12, 61-67.
- Blank M.J.; Berg, A.C. & Melaville, A. (2006). Growing Community schools: Therole of Cross-boundaryleder ship. whashington, DC: Coalition for Comunity Schools.
- Brewer, B.W.; Diehl, N.S.; Cornelius, A.E.; Joshua, M.D. & Van Raalte, J.L. (2004). Exercising caution: Social physique anxiety and protective self-presentational behavior. *Journal of Science and Medicine in Sport*, 7(1), 47-55.
- Brownell, K.D. (1991). Dieting and the search for the perfect body: where physiology and culture collide. *Behavior Therapy* 22, 1° 12.
- Burgess G.; Grogan S. & Buwitz L. (2006). Effects of a 6-week aerobic dance intervention on body image and physical self-perceptions in adolescent girls. *Body image*. 3, 57-66.
- Clark, L. & Tiggemann, M. (2006). Appearance culture in nine- to 12-year-old girls: Media and peer influences on body dissatisfaction [Electronic version]. *Social Development*, 15(4), 628-643.
- Danis, A.; Mohd Bahar, N.; Isa, K.A.M. & Adilin, H. Body image perspectives among adolescents in rural environment setting. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 153, 436-442.
- Dion, J.; Blackburn, M.E.; Auclair, J.; Laberge, L.; Veillette, S.; Gaudreault, M.; Vachon, P.; Perron, M. & Touchette, É. (2015). Development and etiology of body dissatisfaction in adolescent boys and girls. *International Journal of Adolescence and Youth*, 20(2), 151-166.
- Faith, M.S.; Calamaro, C.J.; Dolan, M.S. & Pietrobelli, A. (2004). Mood disorders and obesity. *Current Opinion in Psychiatry*, 17, 9-13.

- Smolak, L. (2004). Body image in children and adolescents: Where do we go from here? *Body Image*, 1, 15-28.
- Sobol-Goldberg, S & Rabinowitz J. (2016). Association of childhood and teen school performance and obesity in young adulthood in the US National Longitudinal Survey of Youth. *Preventive Medicine*, 89, 57-63.
- Storch, E.A.; Milsom, V.A.; Debraganza, N.; Lewin, A.B.; Geffken, G.R. & Silverstein, J.h. (2007). Peer victimization, psychosocial adjustment, and physical activity in overweight and at risk for overweight Youth. *Journal of Pediatric Psychology*, 32(1), 80-89.
- Sondhause, E.L.; Kurtz, R.M. & Strube, M.J. (2001). Body attitude, gender and selfconcept: a 30 years perspective. *Journal of psychology*, 135(4), 413-429.
- Tsai, G. (2000). Eating disorders in the Far East. *Eating and Weight Disorders*, 5, 186° 197.
- Ung, E. K. (2005). Eating disorders in Singapore; Coming of age. *Singapore Medical Journal*, 46, 254-256.
- Villiers, M.D. (2006). *Body image and dating relationships amongst adolescents*. (Thesis of Master of Arts (psychology). University of Stellenbosch.
- Yousefi, B.; Hassani, Z. & Shokri, O. (2009). Reliability and factor validity of the 7-item of social physique anxiety scale (SPAS-7) among university students in Iran. *World Journal of Sport Sciences*, 2(3), 201-204.
- Shaw K.; O Rourke P.; Del Mar C. & Kenardy J. Psychological interventions for overweight or obesity. *Cochrane Database of Systematic Reviews* 2005, Issue 2. Art. No.: CD003818.
- McCabe, M.P & Ricciardelli, L.A. (2001). Body image and body change techniques among young adolescent boys. *European Eating Disorders Review*, 9, 335-347.
- Mellor, D.; McCabe, M.; Ricciardelli, L.; Yeow, J.; Daliza, N. & Mohd Hapidzal, N.F (2009). Sociocultural influences on body dissatisfaction and body change behaviors. *Body Image*, 6, 121-128.
- Moss, T.P. (2005). The relationships between objective and subjective ratings of disfigurement severity, and psychological adjustment. *Body Image*, 2, 151-159.
- Motle, R.W. & Conroy, D.E. (2000). Validity and factorial invariance of the social physique anxiety scale. *Medicine and Science in sport & Exercise*, 32, 1007-1017.
- Rosenblum, G.D. & Lewis, M. (1999). The relations among body image, physical attractiveness, and body mass in adolescence. *Child Development*, 70, 50-64.
- Schwarz, M.B. & Brownell, K.D. (2004) Obesity and body image. *Body Image*, 1, 43-56.
- Singh, M.M.; Ashok, L.; Binu, V.S.; Parsekar, S.S. & Bhumika, T.V. (2015). Adolescents and body image: a cross sectional study. *Indian Journal of Pediatrics*, 82(12), 1107-1111.
- Sjoberg, L.R.; Nilsson, W.K. & Leppert, J. (2005). Obesity, Shame, and Depression in School-Aged Children: A Population-Based Study. *Journal of the American Academy of Pediatrics*, 116(3), 389-392.